

مادرانگی‌های بانوی بی‌فرزند

نوشین مجلسی

سردبیر
قاب کوچک

زن، مادر هم که نباشد از او انتظار مادرانگی می‌رود. انتظار برای حمایت، هدایت، سنگ‌ساز بودن و مهرورزی که درست یا غلط در فرهنگ ما همواره همراه نام او بوده است. مرضیه برومند در سریال تلویزیونی «همه بچه‌های من» این انتظار و شرایط حاصل از آن را به زیبایی و نزدیک به واقعیت به تصویر می‌کشد که این روزها بار دیگر از شبکه آی‌فیلم انگلیسی پخش می‌شود. پوران با بازی مهرانه مهین‌ترابی، دکتر و استاد دانشگاه است که به تنهایی زندگی می‌کند اما این تنهایی، تنها یک ویژگی بی‌معناست که به سبب تجرد به او نسبت داده می‌شود، زندگی حقیقی او خیلی شلوغ‌تر و پرفر و آمدتر از آن چیزی است که از اوضاع زندگی یک زن تنها به ذهن متبادر می‌شود. او برای پسرک همسایه، فرزندان برادر و حتی برادر کودک‌مأبش، مادر و برای زنان همسایه، فرزندان خواهرها و شاگردانش همدم است. این شخصیت زمان‌هایی از این انتظارها که گاه یا را فراتر گذاشته و برایش تعیین تکلیف می‌کند، به ستوه می‌آید و شکایت می‌کند اما همچنان در لحظه‌های حساس زندگی، سایه مهرش را از خانواده و نزدیکانش دریغ نمی‌کند. در نتیجه به وقت تنهایی، دست‌گیرشان می‌شود و موقع تصمیم‌گیری، محل رجوع آنهاست. مهین‌ترابی در نقش اصلی این سریال و دیگر بازیگران همه بچه‌های من مثل آریتا لاجینی، سحر جعفری جوزانی، امیرحسین صدیق، پاشا رستمی، علیرضا خمسه، سوسن مقصودلو و... آن‌قدر باورپذیر با نقش‌های خود یکی شده‌اند که گاه باور نمایشی بودن این همه جزئیات دشوار به نظر می‌رسد. این نتیجه البته بخش اعظمی از موفقیت خود را غیر از بازیگران مرهون فیلمنامه‌ای است که اساس خود را نه بر پایه رویدادهای عجیب و غریب، بلکه بر جریان تلخ‌وشیرین یک زندگی عادی استوار کرده است. جذابیت همه بچه‌های من مثل دیگر آثار برومند بیش از آن که برگرفته از رخدادهای دور از ذهن و بدیع باشد در پرداختن خلاقانه به جزئیات است، جزئیاتی از تجربه مشترکی به نام زندگی روزمره که پیوند ناوشتی میان این اثر و مخاطبانش ایجاد می‌کند. کافی است نگاهی به دوره‌های زنانه پوران و دوستان قدیمی‌اش ببندازیم، به زندگی بی‌سر و سامان و آشفته برادر او و اوضاع غم‌انگیز فرزندان نگاه کنیم یا مشکلات خانواده پنج نفره خواهرش که به درستی طبقه متوسط جامعه را نشان می‌دهد به نظاره بنشینیم تا مصداق‌های عینی برای آنچه باورپذیری تصاویر این سریال خوانده می‌شود، بیابیم. در این دوره‌های دور و در قصه آدم‌های دور و بر پوران در عین سادگی، پیچیدگی‌ها و تمایزهایی وجود دارد و تفاوت میان شخصیت‌ها از دل کردار و گرفتاری‌های معمول آنان به دور از هرگونه اغراق و بدون تأکیدهای ملال‌آور جلوه‌گری می‌کند. در کنار آن می‌توان به طراحی صحنه و لباسی که نگاهی واقع‌گرایانه به محیط و شخصیت‌هایش دارد نیز اشاره کرد. این ویژگی‌های برشمرده که وجه مشترک آثار برومند است را نه فقط در آثاری مثل کتابفروشی همد که می‌توان در گونه‌ای مشترک با همه بچه‌های من طبقه‌بندی کرد، بلکه حتی در آثار تخیلی‌ای که مخاطبان کودک دارد، مثل قصه‌های تابه‌تا و مدرسه موش‌ها، چه در دیالوگ و چه در دیگر عناصر نمایشی هم جست‌وجو کرد.

نگاهی به پیوند کتاب و تلویزیون

تکه‌هایی از یک روایت منسجم

سپیده اشرفی

روزنامه‌نگار



کتاب‌های «شنام»، «عصرهای کریسکان» و «برده‌سور»، درست مثل یک پازل هستند که وقتی در کنار هم قرار می‌گیرد، تکه‌هایی از یک کل را در روایت تاریخی کردستان به نمایش می‌گذارد. عصرهای کریسکان حالا بیشتر برای مخاطبان تلویزیون آشناست؛ چراکه یک مجموعه با عنوان سوران از آن تولید و روانه آنتن شد. سوران روایتگر جوان آزاده کردی است که در التهابات دهه ۵۰ متوقف نمی‌شود. زبان ساده، تصاویر بکر و آهنگ زبان کردی، سوران را به یک مجموعه اقتباسی و تماشایی تبدیل کرد. در صفحه پیش رو، از یک کتاب دیگر گفتیم که منبعی برای اقتباس سریال تلویزیونی بوده است.

برگ اول

راوی را بشناسیم

یکی از نکات بارز کتاب عصرهای کریسکان، راوی کتاب است که خود دردآشناست و رنج زندان کومله را کشیده است. امیر سعیدزاده، راوی کتاب عصرهای کریسکان است. سعیدزاده پیش از انقلاب، از طرف ساواک، مورد پیگیری و بازخواست قرار گرفت و فراری شد. بعدها، اسیر کومله شد و از سازمان کومله نیز فرار کرد. چهار سال بعد از جنگ، سعیدزاده به اسارت حزب دموکرات کردستان عراق درآمد. این دوران از ابتدای انقلاب تا سال ۷۴، یعنی یک دوره ۱۵ ساله، به طول انجامید. نوع روایت در کتاب عصرهای کریسکان، ابتکاری و با بیان چند خاطره روایی است.



برای تماشای بخشی از سریال سوران کواژکد را اسکن کنید

برگ سوم

کریسکان و روایت یک منطقه

کریسکان منطقه‌ای در کردستان عراق است که پس از پاکسازی سرذشت تبدیل به مقر اصلی گروهک‌های تجزیه‌طلب شد و در نهایت زندانی با همین نام در این منطقه دایر شد. درواقع کریسکان در کوه سنجاق عراق است. امیر سعیدزاده راوی کتاب عصرهای کریسکان، تلاش کرده رنج خود از زندان آنجا را به مخاطب منتقل کند. او بیشتر از شش سال در زندان‌های گروه کومله و دموکرات مورد شکنجه قرار گرفت و در نهایت تنها نجات‌یافته از زندان وحشتناک کریسکان شد. دیگر هم‌بندهای او همگی بدون محاکمه اعدام شدند. کتاب عصرهای کریسکان به واسطه نام منطقه، این‌طور نامگذاری شده بود. سریال سوران که برگرفته از این کتاب است نیز تلاش کرده تا رنج مردم کرد در تقابل با گروهک‌های تجزیه‌طلب را روایت کند.



برگ دوم

کتابی برای روزهای همیشه

نکته دیگری که باید درباره کتاب عصرهای کریسکان گفت، مسأله امروزی بودن آن است. به این معنا که گروه‌های تجزیه‌طلب هیچ‌وقت ایران را رها نکرده‌اند و همیشه راهی برای برهم زدن آرامش مردم ایران در نظرشان است. شاید عصرهای کریسکان برای یک دوران تاریخی باشد اما برای این روزهای ایران هم درس‌های بزرگ و تازه‌ای دارد. هنوز هم صدایی از گروهک‌های تجزیه‌طلب با بهانه آزادی و... با شعارهای خوش رنگ و لعاب شنیده می‌شود. صداهایی که تمام تلاشش پاک کردن حافظه تاریخی مردم ایران از جنایت‌هایی است که روزگاری دست همین گروهک‌ها به آن آغشته بود. از این منظر باید گفت که کتاب عصرهای کریسکان و صدا البته، سریال سوران، حرف‌هایی دارد که هیچ‌وقت قدیمی نمی‌شود.

برگ چهارم

تکه‌هایی از کتاب عصرهای کریسکان

در بخش‌هایی از این کتاب می‌خوانیم: «با پرورویی وارد خانه شد. کلت سعید را گذاشته بودم لای متکای بچه. همین که وارد خانه شد، متکا را از پنجره اتاق انداختم توی حیاط پدرشوهرم و او متوجه نشد. تمام اثاثیه منزل را به هم ریخت و آلبوم عکس شوهرم را ورق زد. عکس سعید و بچه‌های سپاه را درآورد و خواست با خودش ببرد که جلوی چشمم و نگذاشتم. گفتم: «اگه تو نظامی هستی، چطور بدون مجوز وارد منزل من شدی؟ لعنت به اون دولت و نظامی که مأمورانش بدون مجوز وارد خانه مردم بشن. الان رنگ می‌زنم سپاه تا ببینم با چه مجوزی وارد خانه به زن نامحرم شدی.» کلی به نظام، سپاه، ارتش و مملکت بد و بیراه گفتم. باورش شد طرفدار نظام نیستم. خنده‌اش گرفت و گفت: «بابا شما که از خودمانین. ضداقلابین!»